## 

گوید: «کاش براى زندگانى خود [چیزى‌] پیش فرستاده بودم.» (24) پس در آن روز هیچ کس چون عذاب‌کردن او، عذاب نکند. (25) و هیچ کس چون دربندکشیدن او، دربند نکشد. (26) اى نفس مطمئنّه، (27) خشنود و خداپسند به سوى پروردگارت بازگرد، (28) و در میان بندگان من درآى، (29) و در بهشت من داخل شو. (30)

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوگند به این شهر، (1) و حال آنکه تو در این شهر جاى دارى؛ (2) سوگند به پدرى [چنان‌] و آن کسى را که به وجود آورد؛ (3) براستى که انسان را در رنج آفریده‌ایم. (4) آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت؟ (5) گوید: «مال فراوانى تباه کردم.» (6) آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟ (7) آیا دو چشمش نداده‌ایم؟ (8) و زبانى و دو لب. (9) و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم. (10) و[لى‌] نخواست از گردنه [عاقبت‌نگرى‌] بالا رود! (11) و تو چه دانى که آن گردنه [سخت‌] چیست؟ (12) بنده‌اى را آزادکردن، (13) یا در روز گرسنگى، طعام‌دادن: (14) به یتیمى خویشاوند، (15) یا بینوایى خاک‌نشین. (16) علاوه بر این از زمره کسانى باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایى و مهربانى سفارش کرده‌اند؛ (17) اینانند خجستگان. (18) و کسانى که به انکار نشانه‌هاى ما پرداخته‌اند، آنانند ناخجستگان شوم. (19) بر آنان آتشى سرپوشیده احاطه دارد. (20)